

تہرین امتحان

عربے دھم



حُمص
از غذایای محبوب عربی

محسن آهوئی، عرفان جالیزی

مقدمه

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

تا آنجا که یادمان می‌آید، هر وقت از امتحانی خلاص می‌شدیم، توی حیاط مدرسه دور هم جمع می‌شدیم و با دوستانمون می‌گفتیم: «آخیش! بالاخره اینم «تمام» شد». آهان! گفتیم: «تمام!» «تمام» برای ما یادآور اون آب خوشی که بعد امتحان از گلومون پایین می‌رفت: همون امتحانایی که وقتی از سر جلسه بلند می‌شدیم و توی راهروی مدرسه آزمون می‌پرسیدن چند می‌شی؟ با یه حال خوبی می‌گفتیم: «فکر کنم ۱۹ یا ۲۰».

کتاب **عربی دهم «تمام»** که الآن دارین مقدمه شو می‌خونین، می‌تونه حس قشنگی بهتون بده که حتی اگه کسی قبل امتحان هم بپرسه چند می‌شی؟ با خیال راحت بگی: «۲۰!». در این کتاب تلاش شده است که

۱ قواعد هر درس به‌طور کامل به همراه مثال‌های متعدد و با سؤالات متنوع آورده شود.

۲ متن هر درس علاوه بر ترجمه فارسی روان، دربرگیرنده محل اعرابی (نقش دستوری) تک‌تک کلمات نیز باشد که سهم قابل توجهی در کیفیت یادگیری مباحث مختلف پایه دهم و سال‌های آینده دارد.

۳ «تمام» تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه آن‌ها بررسی شود.

۴ بیش از ۲۴۰۰ تمرین تشریحی منطبق بر اهداف کتاب درسی به همراه پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی با پیش‌بینی دقیق محتوای امتحانات نهایی تألیف شود که پاسخ‌گوی «تمام» نیازهای شما در امتحانات داخلی و نهایی خواهد بود.

۵ در انتهای هر درس بخشی با عنوان «آنچه گذشت» آورده شود که می‌تواند مناسب‌ترین مرجع برای بازآموزی و حل تمرین بیشتر از درس‌های گذشته باشد. همچنین در انتهای همه دروس، یک آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی از آن درس آورده‌ایم که می‌تواند سنجش اثربخشی برای میزان تسلط شما بر آن درس باشد. گفتنی است در راستای ایجاد آمادگی هرچه بیشترتان در امتحانات میان‌نوبت و نوبت اول و دوم، ۶ سری آزمون استاندارد میان‌نوبت اول و دوم و ۶ سری آزمون استاندارد نوبت اول و دوم نیز برای شما نگاشته‌ایم. بنابراین در مجموع، کتاب **عربی دهم «تمام»** دارای ۲۰ آزمون تشریحی به همراه راهنمای تصحیح می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران انتشارات الگو، خانم ستین مختار، مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و آقای سامان شاهین‌پور و خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از آقای مختار حسامی برای ویراستاری علمی کتاب سپاسگزاری می‌کنیم.

مع الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گرانقدر و دانش‌آموزان تلاشگر سراسر کشور خواشمن‌دیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خویش محروم نساخته و ما را در بهبود اثربخش آن، یاری نمایند.

یا علی

ارادتمندتان؛ محسن آهویی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

بخش اول: درس نامه و تمرین های تشریحی

الدرس الأول: التعارف	۲
تمرین های پایان درس	۱۳
سؤالات امتحان نهایی	۲۲
الدرس الثاني: أعداد من الواحد إلى مئة	۲۴
تمرین های پایان درس	۳۳
سؤالات امتحان نهایی	۴۳
آزمون میان ترم اول (۱)	۴۵
آزمون میان ترم اول (۲)	۴۷
آزمون میان ترم اول (۳)	۴۹
الدرس الثالث: أشكال الأفعال (۱)	۵۱
تمرین های پایان درس	۶۲
سؤالات امتحان نهایی	۷۴
الدرس الرابع: أشكال الأفعال (۲)	۷۶
تمرین های پایان درس	۸۸
سؤالات امتحان نهایی	۹۹
آزمون ترم اول (۱)	۱۰۱
آزمون ترم اول (۲)	۱۰۳
آزمون ترم اول (۳)	۱۰۵
الدرس الخامس: الجملة الفعلية و الاسمية	۱۰۸
تمرین های پایان درس	۱۲۰
سؤالات امتحان نهایی	۱۳۲
الدرس السادس: الفعل المجهول	۱۳۴
تمرین های پایان درس	۱۴۳
سؤالات امتحان نهایی	۱۵۵
آزمون میان ترم دوم (۱)	۱۵۸
آزمون میان ترم دوم (۲)	۱۶۰
آزمون میان ترم دوم (۳)	۱۶۲
الدرس السابع: الجار والمجرور و نون الوقاية	۱۶۵
تمرین های پایان درس	۱۷۶
سؤالات امتحان نهایی	۱۸۹
الدرس الثامن: اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة	۱۹۱
تمرین های پایان درس	۲۰۲
سؤالات امتحان نهایی	۲۱۷
آزمون ترم دوم (۱)	۲۱۹
آزمون ترم دوم (۲)	۲۲۱
آزمون ترم دوم (۳)	۲۲۴
بخش دوم: پاسخ های تشریحی	
پاسخ تشریحی تمرین های پایان درس	۲۲۸
پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی و آزمون ها	۲۶۵

الدرس الخامس الجملة الفعلية والاسمية

الجملة فعلية

جملة فعلية: جملة‌ای که با فعل (ماضی - مضارع - امر - نهی و ...) آغاز می‌شود و دارای دو رکن اصلی «فعل + فاعل» است.
فعل: کلمه‌ای که انجام دادن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته حال یا آینده نشان می‌دهد. هر فعلی نیاز به فاعل (انجام دهنده) دارد.

الفاعل

فاعل: کلمه‌ای است که انجام دهنده کار است و برای یافتن آن در جمله باید از دو سؤال «چه کسی؟» و «چه چیزی؟» استفاده شود.
 جایگاه فاعل در جملات فعلیه غالباً بعد از فعل (اسم ظاهر) است^۱ و گاهی فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است و فاعل هیچگاه قبل از فعل و ابتدای جمله نمی‌آید. **مانند**

- يَجْتَهِدُ عَلِيٌّ فِي دروسه. (عَلِيٌّ: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- يُدَافِعُ الْمُؤْمِنُ عَنْ وطنه الإسلاميّ. (المؤمن: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- ذَهَبَتْ هَذِهِ التِّلْمِيزَةُ إِلَى البَيْتِ. (هذه: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- سَلَّمَ طَالِبٌ عَلَى مُعَلِّمِنَا. (طالِب: فاعل از نوع اسم ظاهر)
- يَنْجَحُ فِي مدرستنا طَلَّابٌ يَجْتَهِدُونَ كثيراً. (طَلَّاب: فاعل از نوع اسم ظاهر)

انواع فاعل در زبان عربی

الف) فاعل بعد فعل (اسم ظاهر): اسمی که انجام‌دهنده کار است و بعد از فعل می‌آید و غالباً^۲ دارای نشانه مرفوع^۳ است. این نوع فاعل، فقط مخصوص صیغه‌های مفرد مذکر غائب و مفرد مؤنث غائب است.
ب) فاعل درون فعل (ضمیر بارز و مستتر): اگر فاعل بعد فعل نیامده باشد، فاعل درون فعل به صورت ضمیر بارز و مستتر در نظر گرفته می‌شود.

نکته فعل + فاعل (فاعل بعد فعل) فقط مخصوص صیغه‌های ۱ و ۴ (هو، هي) است یعنی صیغه‌های به جز ۱ و ۴ فاعلشان هیچگاه بعد فعل نیست و فاعل صیغه‌های به جز ۱ و ۴ حتماً به صورت «فعل و فاعل» است یعنی فاعلشان درون خود فعل است. **مانند**

- أَيُّهَا الطُّلَّابُ! نَحْنُ فِي إِمْتِحَانَيْكُم. (فاعل: ضمیر بارز «نُم» در فعل «نَحْنُ»)
- هُمْ عَبَدُوا اللَّهَ بِالْإِخْلَاصِ. (فاعل: ضمیر بارز «واو» در فعل «عَبَدُوا»)
- الْمُسْلِمُونَ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسْجِدِ. (فاعل: ضمیر بارز «واو» در فعل «يَجْتَمِعُونَ»)
- الطَّالِبَاتُ يَكْتُبْنَ دُرُوسَهُنَّ بِدَقَّةٍ. (فاعل: ضمیر بارز «نون» در فعل «يَكْتُبْنَ»)

نکته هر فعلی فقط یک نوع فاعل دارد. فاعل بعد از فعل (اسم ظاهر) و یا درون فعل (ضمیر بارز و مستتر) است.
 پس فاعل در جملات فعلیه دو حالت دارد:

- ۱ **فعل + فاعل** (در این حالت فعل فقط باید صیغه ۱ و ۴ باشد) **مانند** يُجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ.
 فعل فاعل
- ۲ **فعل و فاعل** (در سایر صیغه‌ها و گاهی صیغه ۱ و ۴) **مانند** يَتَكَلَّمُونَ باللغة العربية.
 فعل و فاعل

۱- ممکن است فاعل بلافاصله بعد از فعل یا با فاصله از فعل باشد.
 ۲- اگر فاعل اسم ظاهر، اسم اشاره (هذا، هذه، هولاء، ذلك، تلك، اولئك) و اسم موصول عام (مَنْ، ما) و اسم موصول خاص (الَّذِي، الَّتِي، الَّتِي، الَّتِي) باشد، نیازی به حرکت مرفوع ندارد و اعرابش تغییر نمی‌کند و فقط در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. **مانند**
 ➤ جَاءَ مَنْ دَرَسَ اللغة العربية. ➤ ذَهَبَ هَذَا الْمُعَلِّمُ. ➤ جَاءَ هَوْلَاءُ الرِّجَالِ.
 ۳- نشانه فاعل غالباً مرفوع است. مرفوع یعنی انتهای اسم یکی از نشانه‌های زیر را دارد:
 (۱) «مُ» **مانند** الْمُعَلِّمُ، رَجُلٌ (۲) «ان» در اسم مثنی **مانند** الطَّالِبَانِ (۳) «ون» در اسم جمع مذکر **مانند** المسلمون

نکته

فعل با فاعل از نظر جنس (مذکر و مؤنث) مطابقت دارد. مانند

جَلَسَ المعلمُ. جَلَسَتِ المعلمَةُ.

نکته

فعل در ابتدای جمله مفرد می‌آید، به شرطی که فاعل آن فعل بعدش (فاعل اسم ظاهر) باشد. حتی اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل قبل آن

مفرد می‌آید. مانند

فعل	فاعل	مثال
مفرد مذکر غائب صیغه ۱	مفرد مذکر	جَاهِدَ الْمُؤْمِنُ
	مثنی مذکر	جَاهَدَ الْمُؤْمِنَانِ
	جمع مذکر	جَاهَدَ الْمُؤْمِنُونَ
مفرد مؤنث غائب صیغه ۴	مفرد مؤنث	جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَةُ
	مثنی مؤنث	جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَتَانِ
	جمع مؤنث	جَاهَدَتِ الْمُؤْمِنَاتُ
	جمع غیر عاقل	إِنْكَسَرَتِ الْأَشْجَارُ

نکته

اگر فاعل جمع غیر انسان باشد فعل آن به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. مانند

الْعَاقِلُ مِنَ وَعَظَتِهِ التَّجَارِبُ.

فعل مفعول فاعل

إِنْقَطَعَتْ أَمَالُهُمْ.

فعل فاعل مفعول

مفعول

فعل‌های متعدی (گذرا) در جملات فعلیه، دارای مفعول هستند. مفعول یک اسم، غالباً دارای نشانه منصوب^۱ است که بعد فعل می‌آید و انجام شدن کار توسط فاعل بر روی آن را مشخص می‌کند. مفعول غالباً در مقابل دو سؤال «چه کسی را» و «چه چیزی را» و گاهی معادل متمم‌های فارسی «به چه کسی» و «به چه چیزی»، «از چه کسی»، «از چه چیزی»، «با چه کسی» و «با چه چیزی» می‌باشد. مانند

كَتَبْتُ الرِّسَالَةَ. (نامه را نوشتم.)

يَأْكُلُ طُلَابُ مَدْرَسَتِنَا الْفُطُورَ فِي الْمَدْرَسَةِ. (دانش‌آموزان مدرسه ما، صبحانه را در مدرسه می‌خورند.)

شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ تَلَامِيذَهُ فِي الشَّارِعِ. (معلم، دانش‌آموزانش را در خیابان دید.)

لازم بذکر است که در مقابل سؤالات متمم در صورتی مفعول در نظر گرفته می‌شود که آن اسم با حرف جر همراه نباشد که در این صورت جار و مجرور

محسوب می‌شود. مانند

سَأَلْتُ الْمُعَلِّمَ. (از معلم پرسیدم.)

مفعول

الْمُشَاغِبُ يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ. (اخلاق‌گر به دانش‌آموزان با رفتارشان زیان می‌رساند.)

مفعول

وَصَلَّتْ إِلَى النَّتِيجَةِ. (به نتیجه رسیدم.)

جار و مجرور

يَخَافُ النَّاسُ مِنْ لِسَانِ أَهْلِ النَّارِ. (مردم از زبان اهل جهنم می‌ترسند.)

جار و مجرور

الْمُؤْمِنُ يُبْتَدَعُ عَنِ الْمَعَاصِي. (مومن از گناهان دور شد.)

جار و مجرور

انواع مفعول

۱ اسم: غالباً منصوب و بعد فعل می آید. **مانند**

❖ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ.
❖ رَأَيْتُ مَنْ عَلَّمَ الدَّرْسَ.

۲ ضمير مفعولی: فعل + ضمير متصل (ه، هما، هم، ...، كَ، كما، كم، ...) **مانند**

مفعول

❖ تَصَرَّكُمُ اللَّهُ ... (ضمير «كُم»: مفعول)
❖ يُسَاعِدُكَ وَالِدُكَ فِي الشَّدَائِدِ. (ضمير «كَ»: مفعول)

سؤال عَيْنُ الْفَعْلِ وَالْفَاعِلُ وَالْمَفْعُولُ وَالصِّفَةُ وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ فِي الْجُمَلَاتِ الْفَعْلِيَّةِ.

الف) تَسَاعِدُ الْمُؤْمِنَاتُ الْآخَرِينَ.
ب) أُعْطِيَ اللَّهُ بَعْضَ النَّاسِ مِيرَاثَ الْأَنْبِيَاءِ.

پاسخ الف) تَسَاعِدُ: فعل / الْمُؤْمِنَاتُ: فاعل / الْآخَرِينَ: مفعول

ب) أُعْطِيَ: فعل / اللَّهُ: فاعل / بَعْضُ: مفعول / النَّاسِ: مضاف إليه / مِيرَاثَ: مفعول / الْأَنْبِيَاءِ: مضاف إليه

جمله اسمیه

جمله اسمیه: جمله‌ای که با اسم^۱ آغاز می‌شود و دارای دو رکن اصلی «مبتدا + خبر» است.

❖ **مبتدا:** اسمی (یک اسم) است که در آغاز جمله اسمیه می‌آید و غالباً مرفوع^۲ است. پی بردن به مفهوم عبارت و ترجمه و درک معانی جمله، مبتدا و خبر

را مشخص می‌کند. **مانند**

❖ الطَّالِبُ نَاجِحٌ. (الطَّالِبُ: مبتدا)
❖ هُوَ يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (هُوَ: مبتدا)
❖ هَذَا التَّلْمِيزُ فِي الْمَدْرَسَةِ. (هَذَا: مبتدا)

❖ **خبر:** کلمه یا کلماتی است که پس از مبتدا می‌آید و معنای مبتدا را کامل می‌کند. برای یافتن خبر باید به ترجمه و مفهوم جمله توجه کنیم.

❖ کلمات و عبارت «ناجِحٌ - يُعَلِّمُ - فِي الْمَدْرَسَةِ» در مثال‌های بالا «خبر» محسوب می‌شوند.

نوع خبر	مثال
خبر مفرد: یک اسم و مرفوع (غالباً)	الطَّالِبُ عَادِلٌ / الطَّالِبَانِ عَادِلَانِ / الْمُعَلِّمُونَ مُسَلِّطُونَ
خبر جمله فعلیه: یک فعل	الْمُؤْمِنُ سَجَدَ / نَحْنُ نَتَكَلَّمُ
خبر جار و مجرور	العَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

نکته

مبتدا و خبر می‌تواند دارای صفت یا مضاف‌الیه باشد. **مانند**

❖ كَلَامُ الْإِنْسَانِ مَعِيَارٌ عَقْلِيٌّ.
❖ الْكِتَابُ الْمَقِيدُ غِذَاءُ الْفِكْرِ.

مبتدا م‌الیه خبر م‌الیه مبتدا صفت خبر م‌الیه

نکته

اگر در جمله اسمیه خبر از نوع «فعلیه» باشد، باید در صیغه (جنس و تعداد) از مبتدای خود تبعیت کند. **مانند**

❖ الطَّالِبُ يَنْجَحُ (يَنْجَحُ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
❖ الطَّالِبَانِ يَنْجَحَانِ (يَنْجَحَانِ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
❖ الطَّالِبَةُ تَنْجَحُ (تَنْجَحُ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)
❖ الطَّالِبَتَانِ تَنْجَحَانِ (تَنْجَحَانِ). (تبعیت خبر فعلیه از مبتدا در صیغه)

اولویت خبر

اگر بعد مبتدا در جملات اسمیه، «جارو مجرور و اسم» یا «جارو مجرور و فعل» با هم باشد برای تعیین خبر باید طبق اولویت مشخص شده زیر عمل کرد:

۱ اگر بعد مبتدا «اسم + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + اسم» باشد، اولویت خبر حتماً با اسم است. **مانند**

❖ الطَّالِبُ نَاجِحٌ فِي الصَّفِّ.
❖ الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ نَاجِحٌ.

۲ اگر بعد مبتدا «فعل + جار و مجرور» و یا «جار و مجرور + فعل» باشد، اولویت خبر حتماً با فعل است. **مانند**

❖ الطَّالِبُ يَدْرُسُ فِي الصَّفِّ.
❖ الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ يَدْرُسُ.

۳ خبر زمانی از نوع جار و مجرور است که خبر دیگری از نوع اسم یا فعل در جمله نباشد. **مانند** الطَّالِبُ فِي الصَّفِّ.

۱- این اسم می‌تواند از ضمائر، اسم اشاره و یا اسم موصول باشد.

۲- منظور از مرفوع همان نشانه‌های «هُ»، «أَنْ»، «وَنْ» در اسم مثنی و «وَنْ» در اسم جمع مذکر است. البته اگر مبتدا، ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول و ... باشد نیازی به حرکت رفع ندارد.

سؤال عَيْنِ المبتدا و الخبر و الصّفة و المضاف اليه في الجملات التالية:

- (الف) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
 (ج) الْعَاقِلُ يَغْتَنِّمُ الْفُرْصَةَ لِلْحَيَاةِ.
 (ب) الْمُمَرَّضَاتُ يَغْطِفْنَ عَلَى الْمَرْضَى.
 (د) الْمُطَالَعَةُ غَذَاءٌ لِلرُّوحِ.

پاسخ (الف) الحمد: مبتدا / لله: خبر از نوع جار و مجرور / العالمين: مضاف اليه
 (ب) الممرّضات: مبتدا / يغطفن: خبر از نوع فعل
 (ج) العاقل: مبتدا / يغتنيّم: خبر از نوع فعل / الفرصة: مفعول
 (د) المطالعة: مبتدا / غذاء: خبر از نوع اسم

نکته هر اسمی در ابتدای یک جمله لزوماً مبتدا نیست. به این دو عبارت دقت کنید. **مانند**
 اليوم أكملت لكم دينكم. فاطمة إجلسي.

نکته اگر در ابتدای جمله، جار و مجرور یا یکی از کلمات ظرف زمان و مکان باشد، باید جار و مجرور یا ظرف را به همراه متعلقات آن (صفت، مضاف الیه، مشار الیه و ...) در نظر نگرفت. بعد از این دو اگر فعل باشد، جمله فعلیه و اگر اسم باشد، جمله اسمیه است. **مانند**
 في هذه المدرسة رأيتُ أحسنَ أصدقائي. (جمله فعلیه)
 بعدَ غروب الشمسِ برجعُ أبي من المتجرِ. (جمله فعلیه)
 في الصيفِ ملابسنا تحفّفُ بسرعة بسبب حرارة الجوِّ. (جمله اسمیه)
 في تلك الحديقة الجميلة رائحةُ الأزهارِ كثيرة. (جمله اسمیه)

سؤال عَيْنِ الجملة الفعلية و الجملة الاسمية:

- (الف) اِكْتَشَفَ الْعِلْمَاءُ أَلْوَانًا مُتَعَدِّدَةً فِي الْأَسْمَاكِ.
 (ب) اِسْمِيَه
 (ب) اِلْبَيْطُ خِرَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ.

محل اعرابی ضمایر

ضمایر متصل عبارت اند از:

صیغه ضمیر	مفرد	مثنی	جمع	ترجمه
غائب	هـ	هما	هم	...ش، ...او
	ها	هما	هنَّ	...شان، ...آنها
مخاطب	كَ	كُما	كُم	...ست، ...تو
	كِ	كُما	كُنَّ	...تان، ...شما
متكلم	وحده: ي	مع الغير: نا		...م، ...من ...مان، ...ما

محل اعرابی ضمایر متصل هنگام اتصال به اقسام کلمات (اسم، فعل، حرف جر) این چنین است:

- اسم + ضمیر متصل ← مضاف الیه **مانند** کتابهم، مجتمعهم
 فعل + ضمیر متصل ← مفعول **مانند** عَرَفَهُمْ، يَضْرِبُونَهُ، عَلَّمَنَا
 حرف جر + ضمیر متصل ← جار و مجرور **مانند** عَلَيكُمْ، لَنَا، مِنْهُ

نکته اسم هایی مانند ضمیر، اشاره، موصول و ... در جملات در نقش های مختلف قرار می گیرند ولی حرکت حرف آخر آن ها ثابت است و در محل اعرابی های مختلف تغییر نمی کند.

برای تعیین محل اعرابی این اسم‌ها:

- ۱ گاهی در محل اعرابی مبتدا است، اگر ابتدای جمله اسمیه باشد. **مانند**
- أَنْتُمْ لَا يَتَرَكُونُ الدَّرْسَ. ➤ هَوْلَاءُ مَصَابِيحُ الْأَمَةِ. ➤ الَّذِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَنْتَصِرُونَ.
- ۲ گاهی در محل اعرابی فاعل است، اگر بعد فعل صیغه ۱ و ۴ (هو، هي) باشد. **مانند**
- يُجَاهِدُ أَوْلَئِكَ الرِّجَالُ. ➤ تَعَلَّمَ الْعَرَبِيَّةَ مَنْ كَانَ فِي صَفْنَا.
- ۳ گاهی در محل اعرابی مفعول است، اگر بعد فعل متعدی (مخصوصاً فعل صیغه به‌جز ۱ و ۴) باشد. **مانند**
- قَرَأْتُ هَذِهِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمَخْتَلِفَةَ. ➤ أَعْرِفُ مَنْ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْإِنْجِلِيزِيَّةِ.
- ۴ گاهی در محل اعرابی مجرور به حرف جر است، اگر بعد از حروف جازه باشد. **مانند**
- سَلَّمْنَا عَلَى تِلْكَ الْمَدِيرَةِ. ➤ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ.

سؤال عَيْنِ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَالصِّفَةِ وَالْمُضَافِ إِلَيْهِ فِي الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ:

- (الف) الْجَهْلُ أَخْطَرُ الْأَمْرَاضِ لِلنَّاسِ. (ب) الْمُقَاتِلُونَ فِي سَاحَةِ الْمَعْرَكَةِ يُدَافِعُونَ عَنْ دِينِهِمْ.
- (ج) الصَّدَقُ رَأْسُ الْفَضَائِلِ.

پاسخ (الف) الجهل: مبتدا / أَخْطَرُ: خبر / الأمراض: مضاف إليه

(ب) الْمُقَاتِلُونَ: مبتدا / الْمَعْرَكَةُ: مضاف إليه / يُدَافِعُونَ: خبر / هم: مضاف إليه

(ج) الصَّدَقُ: مبتدا / رأس: خبر / الفضائل: مضاف إليه

لغات و کلمات درس پنجم

لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات
إِبْتَعَدَ	دور شد (مضارع: يَبْتَغِدُ / إِبْتَعَاد)	الْبَطُّ	اردک	سَبَرُوا	حرکت کنيد
إِتِّجَاه	جهت	الْبَكْتِيرِيَا	باکتری	صُدُور	سینه‌ها
إِحْتَوَى	در بر داشت - شامل شد (يَحْتَوِي / إِحْتَوَاء)	الْبُوم	جغد	ضُوء	نور
إِخْلَاص	مخلص شدن - خالص کردن عمل	تَأَثَّرَ	تحت تأثیر قرار گرفت (يَتَأَثَّرُ / تَأَثَّر)	الظَّلَام	تاریکی
أَدَارَ	چرخاند، اداره کرد (يُدِيرُ / إِدَارَة)	تَحَرَّكَ	حرکت کرد (يَتَحَرَّكُ / تَحَرَّك)	عَوَّضَ	جبران کرد (يُعَوِّضُ / تَعْوِض)
إِسْتَطَاعَ	توانست (يَسْتَطِيعُ / إِسْتَطَاعَة)	الجُرْح	زخم	الْفِصَّة	نقره
إِسْتَعَانَ	باری جست (يَسْتَعِينُ / إِسْتِعَانَة)	حَتَّى	تا (حَتَّى تَبْتَغِدَ: تا دور شود)	الْقُبْح	زشتی
إِسْتَفَادَ	استفاده کرد (يَسْتَفِيدُ / إِسْتِفَادَة)	الجِرَاء	آفتاب‌پرست	قَسَمَ	قسمت کرد
إِضَاعَة	نابود کردن	خَرَّكَ	حرکت داد (يُخَرِّكُ / تَحْرِيك)	الْقِطْ	گره
إِضَافَة إِلَى	افزون بر	الْحَطَب	هیزم	الْقِيد	بند
أَعْشَابٌ طَبِيَّةٌ	گیاهان دارویی (عُشْبٌ طِبِّي)	حَوَّلَ	تبدیل کرد (يُحَوِّلُ / تَحْوِيل)	اللِّسَان	زبان
أَعُوذُ	پناه می‌برم	خِزَانَة	انبار (جمع: خِزَانَات)	لَعِقَ	لیسید (يَلْعَقُ)
أَفَرَزَ	ترشح کرد (يُفَرِّزُ / إِفْرَاز)	الْخَلَّاق	بسیار آفریننده	الْمُضِيء	نورانی
إِلْتَأَمَ	بهبود یافت (يَلْتَمِ / إِلتِمَام)	دَلَّ	راهنمایی کرد (يَدُلُّ)	الْمُظْهَر	پاک شده
إِلْتِقَاطُ صُورٍ	عکس گرفتن	دُونَ أَنْ	بدون آنکه	مَلَكَ	مالک شد - فرمانروایی کرد (يَمْلِكُ)
إِنَارَة	نورانی کردن	دُونَ أَنْ يَتَحَرَّكَ	بدون آن‌که حرکت کند	نَسِيَ	فراموش کرد
إِنْبَعَثَ	فرستاده شده (يَنْبَعِثُ، إِنْبِعَاث)	الذَّنْب	دُم	نَطَمَعُ	طمع می‌ورزیم
أَنْشَدَ	سرود (يُنْشِدُ / إِنْشَاد)	رَبِيتَ	روغن	النَّوْم	خواب
بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ	آفرین بر تو	السَّائِل	مایع - پُرسنده	الْوَقَايَة	پیشگیری
بَرِّي	خشکی - صحرایی	السَّكِينَة	آرامش	الْيُسْر	آسانی



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ أَلْفَنَكَبُوت: ٢٠
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ (نقمان: ۱۱)

این آفرینش خداوند است.

غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند،	الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلاً. مبتدا فعل و فاعل جار ومجرور مضاف‌الیه
صدها چراغ رنگارنگ را دیدند	شَاهَدُوا مِثَابَ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ خبر (فعل و فاعل) مفعول مضاف‌الیه صفت
که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود،	الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ. فاعل مضاف‌الیه جار ومجرور صفت
و تاریکی دریا را به روز روشنی تبدیل می‌کند	و تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ فعل و فاعل مفعول مضاف‌الیه جار ومجرور صفت
که غواص‌ها می‌توانند در نورهای این ماهی‌ها عکس‌هایی بگیرند.	يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورَ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. جار ومجرور فاعل مفعول مضاف‌الیه جار ومجرور مضاف‌الیه
دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود	اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ فاعل فعل و فاعل جار ومجرور جار ومجرور صفت
که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند.	الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ غُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. فعل و فاعل مضاف‌الیه مضاف‌الیه
آیا امکان دارد که بشر، روزی از این معجزه دریایی بهره ببرد،	هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ. فعل و فاعل فاعل جار ومجرور صفت
و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟	و يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ فعل و فاعل جار ومجرور صفت جار ومجرور مضاف‌الیه
چه بسا آن را بتواند (انجام دهد)،	رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، فعل و فاعل مفعول
زیرا «هرکس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.»	لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ» فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل فعل و فاعل
قطعا زبان گربه یک سلاح پزشکی دائمی است،	إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبِّيٌّ دَائِمٌ، مضاف‌الیه صفت
زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کند،	لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تَفْرَزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، جار ومجرور فعل و فاعل مفعول صفت
پس گربه چندین مرتبه زخمش را می‌لیسد تا بهبود یابد.	فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ. فاعل مفعول مضاف‌الیه مضاف‌الیه فعل و فاعل

◀ جواز (مع سائق سِیارة الأجرة) (گفت وگو (با راننده تاکسی)) ▶

السَّائِقُ گردشگر	سائقُ سِیارةِ الأجرة راننده تاکسی
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. جناب راننده، می‌خواهیم به مدائن برویم.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا. من در خدمتان هستم، بفرمایید.
كَيْفَ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟ مسافت از بغداد به آنجا چقدر است؟	أَطْنُ الْمَسَافَةُ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. گمان می‌کنم مسافت ۳۷ کیلومتر باشد. عَجِيبٌ: لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟ عجیب است، چرا به مدائن می‌روید؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كَسْرَى؛ برای دیدن قبر سلمان فارسی و مشاهده طاق کسری. لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟ چرا تعجب می‌کنی؟	لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ. چون به مدائن نمی‌روند مگر اندکی از زائران.
فِي الْبِدَايَةِ تَسَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ. ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه کربلا و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! زیارت همگی قبول باشد! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟ و آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ. بله، او را می‌شناسم، او از یاران پیامبر (ص)، و اصلش از اصفهان است.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كَسْرَى؟ آفرین! و آیا اطلاعاتی هم در مورد طاق کسری داری؟
بِالْتَّأَكُّدِ: إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. البته، آن یکی از کاخ‌های پادشاهی ساسانی در قبل از اسلام است. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كَسْرَى: دو شاعر بزرگ هنگام دیدن ایوان کسری، دو قصیده سروده‌اند: الْبُحْتَرِيُّ مِنَ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ. بُحْتَری از بزرگ‌ترین شاعران عرب و خاقانی شاعر ایرانی.	مَا شَاءَ اللَّهُ! ما شاء الله! بَارَكَ اللَّهُ فَيْكَ! آفرین بر تو! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ! اطلاعاتت زیاد است!

کتاب درسی

التمارين

▶ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- عُضْوٌ خَلْفَ جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْخَشَرَاتِ.
- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.
- عَدَمُ وُجُودِ الضَّوْءِ.
- نَشْرُ التُّورِ.

▶ پاسخ

- پرنده‌ای است که در مکان‌های متروکه زندگی می‌کند: در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌آید.
 - عضوی است پشت بدن حیوان که اغلب آن را برای راندن حشره‌ها حرکت می‌دهد.
 - گیاهانی مفید برای معالجه که از آن‌ها مانند دارو استفاده می‌کنیم.
 - پرنده‌ای است که در خشکی و آب زندگی می‌کند.
 - نبود روشنایی.
 - پخش کردن روشنایی.
- (البومة (جغد)
الدَّذَبُ (دُم)
الأعشابُ الطَّيِّبَةُ (گیاهان دارویی)
البَطُّ (أُردک)
الظَّلامُ (تاریکی)
إنارة (روشن کردن)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ. = ≠

إِسْطَاطَاعٌ قَدَرٌ	سَلَامٌ حَرْبٌ	إِقْتَرَبَ إِبْتَعَدَ	إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ
بَنَى صَنَعَ	ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ	نُفَايَةٌ رُبَالَةٌ
غَيْمٌ سَحَابٌ	حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	يَنْبُوعٌ عَيْنٌ	قُرْبٌ بُعْدٌ
فَرِحَ حَزِنَ	مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ	جَاهِزٌ حَاضِرٌ

پاسخ

إِسْطَاطَاعٌ = قَدَرٌ	سَلَامٌ ≠ حَرْبٌ	إِقْتَرَبَ ≠ إِبْتَعَدَ	إِحْسَانٌ ≠ إِسَاءَةٌ
توانست	صلح ≠ جنگ	نزدیک شد ≠ دور شد	خوبی کردن ≠ بدی کردن
بَنَى = صَنَعَ	ظَلَامٌ ≠ ضِيَاءٌ	عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ	نُفَايَةٌ = رُبَالَةٌ
ساخت	تاریکی ≠ روشنائی	دشمنی ≠ دوستی	زباله
غَيْمٌ = سَحَابٌ	حُجْرَةٌ = غُرْفَةٌ	يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ	قُرْبٌ ≠ بُعْدٌ
ابر	اتاق	چشمه	نزدیک شد ≠ دور شد
فَرِحَ ≠ حَزِنَ	مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءٌ	غُصَّةٌ = حُزْنٌ	جَاهِزٌ = حَاضِرٌ
خوشحال ≠ ناراحت	لطفاً	اندوه	آماده

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

البَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقَرَةُ



(٣) دَنْبٌ جَمِيلٌ.
الْمُضَافُ إِلَيْهِ:



(٢) يُرْسِلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.
الْمَفْعُولُ:



(١) تُعْطِي الْحَلِيبَ.
الْفَاعِلُ:



(٦) طَائِرٌ جَمِيلٌ.
الْخَبَرُ:



(٥) الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ
الْمُبْتَدَأُ:



(٤) ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.
الْصِّفَةُ:

پاسخ

- (١) البقرة - الفاعل: البقرة / گاو شیر می دهد.
(٢) الغراب - المفعول: أخبار / کلاغ، اخبار جنگل را می فرستد.
(٣) الطاووس - المضاف إليه: الطاووس / دُم طاووس، زیباست.
(٤) الحرباء - الصفة: متحرکة / آفتاب پرست دارای چشمان متحرکی است.
(٥) الكلاب - المبتدأ: الشرطي / پلیس به وسیله سگها امنیت را حفظ می کند.
(٦) البط - الخبر: طائر / اردک، پرندۀ زیبایی است.

أنوار القرآن

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

- (١) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آل عمران: ١٨٥
هر کسی چشنده است. (می میرد)
- (٢) ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
و درباره آسمان ها و زمین؛
- (٣) ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده؛
- (٤) ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
تو پاکی؛ ما را از شکنجه نگاه دار؛
- (٥) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾
پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و هیچ ندارند؛
- (٦) ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ آل عمران: ١٩٣-١٩١
ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما؛

پاسخ

- (١) مرگ (٢) آفرینش - می اندیشند (٣) نیافریده ای (٤) آتش
(٥) ستمگران - یاورانی (٦) شنیدیم - ایمان آوردیم

درس پنجم

تمرین های پایان درس

واژگان

ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ١٠٤٢ هَلْ نَسْتَعِينُ بِتِلْكَ الْبَكْتِيرِيَا لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟
١٠٤٣ قَامَ السَّائِحُ بِالتَّقَاطُ صُورٍ مِنَ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.
١٠٤٤ لِسَانُ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ.
١٠٤٦ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾
١٠٤٨ إِلْتَأَمَ جُرُحٌ أَخِي الْأَكْبَرِ.
١٠٥٠ مَا شَاءَ اللَّهُ بَارَكَ اللَّهُ فَيْكَ.
١٠٤٧ يَتَّبَعْتُ فَرِيقَ عِلْمِي إِلَى هُنَاكَ.
١٠٤٩ تَسْتَفِيدُ أُخْتِي مِنْ تَجَارِبِ الْآخَرِينَ.
١٠٥١ لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا.

إنتخب الجواب حسب ترجمة المفردات المعيّنة:

- ١٠٥٢ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ الْحِرْبَاءِ.
١٠٥٣ يُدِيرُ هَذَا الْحَيَوَانَ عَيْنِيهِ فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
١٠٥٤ عَيْنُ الْبُومَةِ ثَابِتَةٌ.
١٠٥٥ عَوْضُ أَعْمَالِكَ الْقَبِيحَةِ بِالْحَسَنَاتِ.
١٠٥٦ لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ هَذَا الْحَيَوَانِ.
١٠٥٧ لَا تَتَأَثَّرُ بِأَخْلَاقِ الْأَرَاذِلِ.
١٠٥٨ هُنَاكَ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِ الْبَطَّةِ.
☐ الف) آفتاب پرست ☐ الف) می چرخد ☐ الف) گرگ ☐ الف) جبران کرد ☐ الف) حرکت نمی کند ☐ الف) تحت تأثیر قرار نمی گیریم ☐ الف) گناه
☐ ب) گربه ☐ ب) می چرخاند ☐ ب) جغد ☐ ب) جبران کن ☐ ب) حرکت نمی دهد ☐ ب) تحت تأثیر قرار نمی دهیم ☐ ب) دم

اُكْتُبْ مفرد أو جمع المُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱۰۵۹ الزُّيُوت (المُفْرَد) :
 ۱۰۶۰ العُشْب (الجمعُ المُكْسَر) :
 ۱۰۶۱ الأحرار (المُفْرَد) :
 ۱۰۶۲ الصَّوَاء (الجمعُ المُكْسَر) :

اُكْتُبْ مفرد أو جمع الكلمات التي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- ۱۰۶۳ نَطْلُبُ مِنَ اللَّهِ انْشِرَاحَ صُدُورِنَا:
 ۱۰۶۴ كَتَمْنَا سِرًّا وَلَيْتَنَا:

انْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ أَوِ الْجَمْعِ:

- ۱۰۶۵ جمع «زائر»: ☐ الف (زيارة) ☐ ب (زوار)
 ۱۰۶۶ مُفْرَد «خَوَاصَّ»: ☐ الف (خاصة) ☐ ب (إختصاص)

كَمْ جَمْعُ تَكْسِيرٍ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟

- ۱۰۶۷ اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَتَّبِعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتَرِيَا الْمُضْيِئَةِ. ☐ الف (واحد) ☐ ب (اثنان)
 ۱۰۶۸ الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلْأَ، شَاهَدُوا مِائَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ. ☐ الف (اثنان) ☐ ب (أربعة)
 ۱۰۶۹ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. ☐ الف (اثنان) ☐ ب (ثلاثة)

انْتَخِبِ الْمُتَرَادِفَ أَوِ الْمُتَضَادَّ مِنْ بَيْنِ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

(اِقْتَرَبَ - عُشِبَ - التَّأَمَّ - غُصَّةٌ - اسْتَطَاعَ)

- ۱۰۷۰ قَدَّرَ =
 ۱۰۷۱ حُزِنَ =
 ۱۰۷۲ اِبتَعَدَ ≠

اجْعَلْ عَلَامَةَ التَّرَادِفِ أَوِ التَّضَادِّ بَيْنَ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ (= ≠):

- ۱۰۷۳ بَنَى صَنَعَ
 ۱۰۷۴ عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ
 ۱۰۷۵ غَيِمَ سَحَابٌ

انْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُتَرَادِفِ أَوِ الْمُتَضَادِّ:

- ۱۰۷۶ الْمُتَرَادِفُ لِمُفْرَدَةِ «رَجَاءٌ»: ☐ الف (عَبَّرَ) ☐ ب (مِنْ فَضْلِكَ)
 ۱۰۷۷ الْمُتَضَادُّ لِمُفْرَدَةِ «فَرَحٌ»: ☐ الف (غُصَّةٌ) ☐ ب (حَزِينٌ)
 ۱۰۷۸ الْمُتَرَادِفُ لِمُفْرَدَةِ «نُفَايَةٌ»: ☐ الف (رُبَالَةٌ) ☐ ب (عَدَاوَةٌ)
 ۱۰۷۹ الْمُتَضَادُّ لِمُفْرَدَةِ «سَلَمٌ»: ☐ الف (حَزَبٌ) ☐ ب (صَالِحٌ)

عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «بُعْدٌ» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «غُرْفَةٌ»:

لَبِثْتُ فِي حُجْرَةِ الْفُنْدُقِ الْكَبِيرَةِ.

قَرَّبَ صَدِيقِي مِنَ الْقَرْيَةِ الصَّغِيرَةِ.

- ۱۰۸۰ الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «بُعْدٌ»:
 ۱۰۸۱ الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «غُرْفَةٌ»:

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ:

- ۱۰۸۲ الْغُرَابُ ☐ الطَّاوُوسُ ☐ الْمَطْهَرُ ☐ الْبَطَّةُ ☐
 ۱۰۸۳ اسْتَفَادَ ☐ اسْتَعْمَلَ ☐ انْتَفَعَ ☐ التَّأَمَّ ☐

ترجمه

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

- ١٠٨٤ ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾
- ١٠٨٥ ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
- ١٠٨٦ ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
- ١٠٨٧ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾
- ١٠٨٨ ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾
- ١٠٨٩ صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ.
- ١٠٩٠ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.
- ١٠٩١ حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ.
- ١٠٩٢ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
- ١٠٩٣ أَكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالدَّمِّ.
- ١٠٩٤ الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
- ١٠٩٥ مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ.
- ١٠٩٦ تَسْتَعِينُ حَيَوَانَاتُ الْغَابَةِ بِالْغُرَابِ لِلابْتِعَادِ عَنِ مِثْقَةِ الْخَطَرِ.
- ١٠٩٧ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِللُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً.
- ١٠٩٨ هَلْ يُمْكِنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ الْمُخْتَلِفَةِ؟
- ١٠٩٩ الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلَّا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ.
- ١١٠٠ ائْتَمَرُوا أَنْ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ تَفَرُّزٍ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ١١٠١ بَعْضُ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّيِّبَةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفِيَّةَ اسْتِعْمَالِهَا.
- ١١٠٢ لِلْبَيْطَةِ غَذَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي رَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جَسْمِهَا.
- ١١٠٣ لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبَوْمَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ وَ لَكِنَّ رَأْسَهَا يَتَحَرَّكُ فِي كُلِّ جِهَةٍ.
- ١١٠٤ سَأَلْتُ غَوَاصًا ذَهَبَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ: مَاذَا تُحَوِّلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ؟
- ١١٠٥ يَسْتَطِيعُ غَوَاصُ الْبِلَادِ الْتِقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيَّةِ.
- ١١٠٦ ائْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ فِي لِسَانِ الْقِطِّ غَذَّةً يَخْرُجُ مِنْهَا سَائِلٌ مُطَهَّرٌ.
- ١١٠٧ الْأَضْوَاءُ الَّتِي تُسَاعِدُنَا فِي الْتِقَاطِ صُورٍ تَتَبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ.
- ١١٠٨ أَوَّلُكَ الْغَوَاصُونَ كَانُوا يَذْهَبُونَ إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِالْتِقَاطِ صُورٍ.
- ١١٠٩ نَحْنُ أَطِبَاءُ شَبَابٍ فَلَدِينَا أَعْشَابٌ طَبِيعِيَّةٌ نَسْتَخْدِمُهَا فِي مُعَالِجَةِ الْأَمْرَاضِ أحيانًا.
- ١١١٠ فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفُ أَعْضَاءُ أُسْرَتِي بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ.
- ١١١١ لِلنَّدَمِ عَلَى السُّكُوتِ فَضْلٌ عَلَى النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ فَعَلَيْكَ بِالسُّكُوتِ.
- ١١١٢ جَاءَ الطَّبِيبُ الْحَاقِظُ بِالْعُشْبِ الطَّيِّبِ وَ اسْتَعْمَلَهُ لِمُعَالِجَةِ مَرَضِي.
- ١١١٣ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةُ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ أَثَارَتْ تَعْجُبي.
- ١١١٤ يَلْتَقِ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِّمَ لِأَنَّ لِسَانَهُ سِلَاحٌ طَيِّبٌ دَائِمٌ.
- ١١١٥ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ أَخِي الْغَوَاصُ أَنْ يَلْتَقِظَ صُورًا فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.
- ١١١٦ مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ فَوَاصِلَ مُحَاوَلَاتِكَ لِلْوُصُولِ إِلَى أَهْدَافِكَ الْعَالِيَةِ.
- ١١١٧ تَعِيشُ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةُ تَحْتَ عَيُونِ الْأَسْمَاكِ فَيَحَاوِلُ الْعُلَمَاءُ لِلتَّعَرُّفِ عَلَيْهَا.

- ۱۱۱۸ بقي صديقي الحميم في منزله سبعة أيام حتى يلتئم جرحه العميق.
- ۱۱۱۹ تبتعد حيوانات الغابة سريعاً عن منطقة الخطر عند سماع صوت الغراب.
- ۱۱۲۰ تدل هذه الحيوانات الإنسان على الخواص الطبية لكثير من النباتات البرية.
- ۱۱۲۱ قد أنشد شاعران كبيران قصيدتين عند مشاهدتهما إيوان كسرى.
- ۱۱۲۲ تستطيع الحيوانات من خلال لفتها العامة أن تنفاهم مع بعضها.
- ۱۱۲۳ للطائر الذي لونه أسود صوت يُحذّر به بقية الحيوانات حتى تبتعد سريعاً عن منطقة الخطر.
- ۱۱۲۴ أيها الأطباء استعملوا الأعشاب المناسبة للوقاية من الأمراض المختلفة.
- ۱۱۲۵ للغابة جواسيس فهل يكون الغراب الذي يُبعد الحيوانات عن منطقة الخطر جاسوساً؟
- ۱۱۲۶ نشاهد نبات المصابيح الملونة التي يتبعث ضوءها من الأسماك المضيفة.
- ۱۱۲۷ ينتشر هذا الزيت الخاص على جسم البطة ولا يتأثر بالماء.
- ۱۱۲۸ الماء من المظهرات فنستعين به في غسل أيدينا و ملاسنا.

انتخب الترجمة الصحيحة:

- ۱۱۲۹ هي تستطيع أن ترى في اتجاهين في وقت واحد.
- ☐ الف) آن می تواند که همزمان در دو جهت ببیند.
- ☐ ب) آن توانست که همزمان در دو جهت ببیند.
- ۱۱۳۰ ربما يتجح ذلك الطالب في امتحانات آخر السنة الدراسية.
- ☐ الف) آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی موفق می شود.
- ☐ ب) چه بسا آن دانش آموز در امتحانات پایان سال تحصیلی قبول شود.
- ۱۱۳۱ إن جدي إضافة إلى امتلاكه لبقاع كثيرة يملك بستاناً كبيراً.
- ☐ الف) همانا پدر بزرگ من علاوه بر داشتن تکه زمینی بزرگ، باغ های بسیاری دارد.
- ☐ ب) همانا پدر بزرگم علاوه بر داشتن تکه زمین های بسیار، باغ بزرگی دارد.
- ۱۱۳۲ تعوض البومة هذا النقص بتحريك رأسها في كل جهة.
- ☐ الف) جغد، این کمبود را با حرکت دادن سرش در هر جهتی جبران می کند.
- ☐ ب) گربه، این کمبود را با حرکت دادن چشمش در هر جهتی جبران می کند.
- ۱۱۳۳ لهؤلاء الأطفال نقص في التغذية. فينصحهم الطبيب بتناول الفواكه لتعويضه.
- ☐ الف) این کودکان در تغذیه، کمبودی دارند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران آن نصیحت می کند.
- ☐ ب) این کودکان در تغذیه، کمبودی داشتند. پس پزشک، آن ها را به خوردن میوه ها برای جبران کردن آن تشویق کرد.
- ۱۱۳۴ هل يستطيع هذا الحيوان أن يدير رأسه ميتين و سبعين درجة دون أن يحرك جسمها؟
- ☐ الف) آیا سر این حیوان دویست و هفتاد درجه می چرخد، بدون اینکه آن بدنش را حرکت دهد؟
- ☐ ب) آیا این حیوان می تواند که سرش را دویست و هفتاد درجه بچرخاند، بدون اینکه بدنش را حرکت دهد؟
- ۱۱۳۵ قد حوّلت الأسماك المضيفة ظلام البحر إلى نهار مضيء.
- ☐ الف) ماهی های نورانی، تاریکی دریا را به روزی نورانی تبدیل کرده اند.
- ☐ ب) ماهی های نورانی، دریای تاریک را به روزی روشن تبدیل می کنند.
- ۱۱۳۶ إضاعة الفرصة غصة فاستفيدوا من الفرصة رجاءً.
- ☐ الف) تباه کردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت بهره ببرید.
- ☐ ب) از بین بردن فرصت، «موجب» اندوه است. پس لطفاً از فرصت استفاده کن.
- ۱۱۳۷ على الفلاح المجدد بزراعة أشجار التفاح.
- ☐ الف) کشاورز تلاشگر، درختان سیب را خواهد کاشت.
- ☐ ب) کشاورز کوشا، باید درختان سیب را بکارزد.

كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:

- ۱۱۳۸ تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنِيهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ.
..... می تواند که را در جهت های مختلف
- ۱۱۳۹ أَتَيْهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
ای، می خواهیم که به مدائن
- ۱۱۴۰ ذَلِكَ الشَّاعِرُ الشَّابُّ يُشِيدُ أَشْعَاراً جَمِيلَةً فِي مَدَحِ أَهْلِ الْبَيْتِ.
آن شاعر، اشعاری زیبا را در اهل بیت
- ۱۱۴۱ لِشَجَرَةِ الْعِلْمِ ثَمَرَةٌ يَسْتَفِيدُ طَالِبُ الْعِلْمِ مِنْهَا.
درخت دانش، دارد که جوینده دانش، از آن
- ۱۱۴۲ سَأَلْتُ الْبَاحِثَ الْمُؤَدَّبَ: أَيُّ طَائِرٍ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ؟
از پژوهشگر بالادب: کدام در و آب زندگی می کند؟
- ۱۱۴۳ ﴿وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ﴾
و برای ما ضرب المثل و آفرینشش را
- ۱۱۴۴ مَنْ طَلَبَ مُشَاهَدَةَ طَاقٍ كَسَرَى سَافِرٌ إِلَى الْمَدَائِنِ.
هرکس خواست که طاق کسری را، به مدائن
- ۱۱۴۵ رَبُّنَا عَادِلٌ وَهُوَ لَا يَظْلُمُ عِبَادَهُ أَبَدًا.
.....، عادل است و او هرگز به بندگان
- ۱۱۴۶ يُرِيدُ اللَّهُ بِنَا الْيُسْرَ وَلَا يَكْلِفُنَا إِلَّا وُسْعَنَا.
خداوند برایمان می خواهد و جز به اندازه توانمان به ما

قواعد

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفَعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱۱۴۷ ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾
۱۱۴۸ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.
۱۱۴۹ تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
۱۱۵۰ زُمْلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ سَوَاءٍ.
۱۱۵۱ يَمْشِي عِبَادُ الرَّحْمَنِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.
۱۱۵۲ ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾
۱۱۵۳ أَكْثَرُ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتَقَالِ فِي قِشْرِهِ؟
۱۱۵۴ مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ.
۱۱۵۵ يَتَصَحَّ الْقَائِدُ الْمَسْؤُولِينَ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
۱۱۵۶ تَعَلَّمَ أَخِي اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ أَسَاتِذٍ.
۱۱۵۷ تَنَاولَ الْفَوَاكِهُ الْمُخْتَلِفَةَ مُقِيدٌ لَكُمْ.

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَعْيِينِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- ۱۱۵۸ عُمَلَاءُ الْعَدُوِّ يَمْعَلُونَ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ☐ الف خبر ☐ ب مضاف إليه
- ۱۱۵۹ إِبْلِي حَقِيقَةً أُخْتُكَ إِلَى هُنَا. ☐ الف فاعل ☐ ب مفعول
- ۱۱۶۰ حَقِيقَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ. ☐ الف صفة ☐ ب خبر

١٢٥٧] خُذْ جَوَارِكَ. فِي أَمَانِ اللَّهِ.

١٢٥٨] ﴿تَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾

١٢٥٩] إِنَّمَا لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّجْمِ وَ جَارُ السَّوْءِ.

١٢٦٠] لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ.

ترجم الأفعال التي تحتها خط:

«تَأَثَّرَ: تحت تأثير قرار گرفت»

١٢٦١]	لِمَاذَا لَا تَتَأَثَّرِينَ بِأَخْلَاقِ أَخِيكَ.	
١٢٦٢]	لَا تَتَأَثَّرْنَ بِجَلِيسَاتِ السَّوْءِ رَجَاءً.	
١٢٦٣]	سَوْفَ نَتَأَثَّرُ بِالْعُلَمَاءِ.	
١٢٦٤]	صَدِيقُنَا كَانَ يَتَأَثَّرُ بِنَا.	
١٢٦٥]	جِسْمُ الْبَطَّةِ مَا تَأَثَّرَ بِالْمَاءِ.	
١٢٦٦]	أَنْتُنَّ تَأَثَّرْتُنَّ بِالْمَرْأَةِ الَّتِي كَانَتْ عَالِمَةً.	
١٢٦٧]	أُولَئِكَ تَأَثَّرُوا بِمُرَافِقِهِمْ.	

«حَذَّرَ: هشدار داد»

١٢٦٨]	وَالِدَايَ حَذَّرَا مُحَمَّدًا مِنْ مُجَالَسَةِ الْجُهَالِ.	
١٢٦٩]	حَذَّرَنِي بِنْتُكَ مِنْ ارْتِكَابِ الذُّنُوبِ الْكَبِيرَةِ.	
١٢٧٠]	الْعُلَمَاءُ سَيَحَذِّرُونَ النَّاسَ مِنْ مُصَادَقَةِ عَمِيلِ الْعَدُوِّ.	
١٢٧١]	أَخِي مَا حَذَّرْتُ صَدِيقَتَهَا إِلَّا تَهَنَّ فِي الدَّرَاسَةِ.	

رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ صُغِ الْجُمَلَاتِ الْمَطْلُوبَةُ ثُمَّ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ:

١٢٧٢] ذَهَبُوا / إِلَى / الْمُحِيطِ / أَعْمَاقِ / الْعَوَاصِرِ ← الجملة الاسمية

١٢٧٣] شَاعِرَانِ / قَصِيدَتَيْنِ / قَدْ / كَبِيرَانِ / أَنْشَدَ ← الجملة الفعلية

مكالمه

رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوْالاً صَحِيحاً:

(السَّائِحُونَ - الْمَدَائِنِ - إِلَى - يَذْهَبُ - لِمَ)

١٢٧٤] «.....؟ لِرِيزَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارَسِيِّ.»

إِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي الْجَوَارِ:

١٢٧٥] أَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارَسِيُّ أَمْ لَا؟

☐ الف) نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ.

☐ ب) لَا، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.

١٢٧٦] هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟

☐ الف) لَا، إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ.

☐ ب) بِالنَّكَيدِ.

درس پنجم

سؤالات امتحان نهایی

شماره صفحات پاسخ: ۲۷۵

ردیف	نمره	
۱	۱/۲۵	تَرْجِمِ الكلماتَ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ: (الف) لِسَانُ الْقَطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُقَرَّرُ سَائِلًا مُطَهَّرًا. (ب) هَلِ التَّامُّ جُرْحٌ أَخِيكَ الْأَكْبَرُ؟
۲	۵/۰	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (اِسْتَطَاعَ - قَرَّبَ - حَوَّلَ - أَنْشَدَ - بَعَدَ - قَدَّرَ) (الف) = (ب) ≠
۳	۲۵/۰	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): ☐ (الف) الشَّاعِرُ ☐ (ب) السَّحَابُ ☐ (ج) الْآيَاتُ ☐ (د) الْقَصِيدَةُ
۴	۵/۰	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخُطٍّ: (الف) ذَنْبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ. (ب) تَكَلَّمَ الْأَطْبَاءُ حَوْلَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ مَعًا.
۵	۵	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) عَلَى الْبَشَرِ بِالْإِسْتِفَادَةِ مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ. (۵/۰) (ب) «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (۷۵/۰) (ج) رُبَّمَا يَسْتَعْمِلُ الطَّبِيبُ الْحَادِقُ عُشْبًا طَبِيبًا لِمُعَالَجَةِ وَالدِّ؟ (۷۵/۰) (د) كَانَ السَّائِحُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ لَزِيَارَةِ أَحَدِ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ. (۷۵/۰) (هـ) يَسْتَعِينُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ بِزَوْجَتِهِ فِي زِرَاعَةِ أَشْجَارِ التَّنَاجِ. (۷۵/۰) (و) عِنْدَمَا تَسْمَعُ الْحَيَوَانَاتُ صَوْتَ الْغُرَابِ تَبْتَعدُ عَنْ مِيقَةِ الْخَطَرِ. (۷۵/۰) (ز) جَاءَ أَخِي عِنْدِي بِالْبَاحِثِ الَّذِي كَتَبَ مَقَالَاتٍ عَنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ. (۷۵/۰)
۶	۵/۰	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) قَدْ اسْتَطَاعَ مُحَمَّدٌ التِّقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. ☐ (۱) مُحَمَّدٌ تَوَاسَّطَهُ اسْتِ كِهْ دَرِ نَوْرَه‌ای این ماهی‌ها، عکس بگیرد. ☐ (۲) مُحَمَّدٌ می‌تواند که در نورهای این ماهی‌ها، عکس‌هایی بگیرد. (ب) لِلْأَعْشَابِ الطَّبِيبَةِ تَأْثِيرَاتٌ عَلَى مُعَالَجَةِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ. ☐ (۱) گیاهان دارویی، تأثیراتی بر درمان بعضی از بیماری‌ها دارند. ☐ (۲) بعضی از گیاهان دارویی، تأثیراتی بر درمان بیماران دارند.
۷	۱	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) أَيْهَا الرِّجَالُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَتَفَاهَمُوا مَعَ بَعْضِكُمْ. ای شما باید با یکدیگر (ب) أَتَمَلِّكُ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ لُفَّةً عَامَّةً؟ آیا حیوانات، زبانی دارند؟
۸	۲	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخُطٍّ: «شَاهِدْ: دِيد» (الف) الْغَوَاصُونَ شَاهَدُوا مِثَابَ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ. (ب) سَيُشَاهَدُ أَبِي مَعَالِمٍ أَثَرِيَّةً. (ج) شَاهِدِي نَزُولَ الْمَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ. (د) هُمْ كَانُوا يُشَاهِدُونَ ظَاهِرَةً غَرِيبَةً. (هـ) سَوْفَ نُشَاهِدُ وَلِيتَنَا الْحَمِيمَ. (و) مَا شَاهَدْتُ الْأَسَاتِذَ فِي الْمَكْتَبَةِ. (ز) أَنْتَ لَا تُشَاهِدُ وَالدِّكَ فِي الْجَلْسَةِ. (ح) زَمِيلَايَ يُشَاهِدَانِ صُورًا مِنْ مَسْجِدٍ.

آزمون ترم دوم (۳)

شماره صفحات پاسخ: ۲۸۴

ردیف	نمره	
۱	۱/۲۵	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ: (الف) أُجِيتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي. (ب) تَضْرِبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَةَ الْقَرَشِ بِأَنْوْفِهَا الْحَادَّةِ.
۲	۰/۵	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (فَجَاءَ - كِبَار - شَرَّشَف - مَوْسُوعَة - صِغَار - بَغْتَةٌ) (الف) = (ب) ≠
۳	۰/۲۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): ☐ (الف) السَّوَاوِل ☐ (ب) البحار ☐ (ج) المحيطات ☐ (د) الظَّلام
۴	۰/۵	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخُطٍّ: أَنْصَحَكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ.
۵	۵	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيعِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ. (۰/۷۵) (ب) أَغْلَقْنَا هَذَا الْمَضِيقَ بِسَدٍّ عَظِيمٍ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ. (۰/۷۵) (ج) لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، وَجَدْتُ دُلْفِينًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ. (۰/۷۵) (د) اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ يُبَيِّنُ اتِّحَادَ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. (۰/۷۵) (هـ) ابْحَثُوا عَنِ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ لِأَنَّهُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. (۰/۷۵) (و) سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهَيِّمُ فِي الْفَلَوَاتِ. (۰/۵) (ز) ذَهَبَ جَيْشُنَا الْقَوِيُّ لِمُحَارَبَةِ أَعْدَائِنَا وَ إِخْرَاجِهِمْ مِنَ الْحُدُودِ. (۰/۷۵)
۶	۰/۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ. ☐ (۱) شما باید خدا را یاد کنید؛ زیرا آن، نور قلب است. ☐ (۲) تو باید خدا را یاد کنی؛ زیرا آن، نور دل است. (ب) «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» ☐ (۱) بخوان و پروردگار تو گرامی است؛ همان که با قلم آموزش داد. ☐ (۲) بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
۷	۱	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) «وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» و مرا با رحمتت در زمره در سستکارت، (ب) الْبُومَةُ تَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ. در مکان‌های زندگی می‌کند.
۸	۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخُطٍّ: «جَعَلَ: قرار داد» (الف) رَجَاءٌ: اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ. (ب) «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ» «إِنْتَقَلَ: جابه‌جا شد» (ج) تَنْتَقِلُ الْأَشْجَابُ مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ. (د) مَا انْتَقَلَتِ الْبُضَائِعُ إِلَى الْحُجْرَةِ.

۱۰۸۳ | التَّامُّ - «استفاد: استفاده کرد»، «استعمل: به کار بست» و «انتفع: بهره برد» با هم ارتباط معنایی دارند. اما «التَّامُّ: بهبود یافت» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.

۱۰۸۴ | بگو در زمین برگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.
نکته: «انظروا» فعل امر به معنای «نگاه کنید» است و نباید به صورت فعل ماضی «نگاه کردند» ترجمه شود.

۱۰۸۵ | آیا مردم را به نیکی دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟
۱۰۸۶ | خداوند، کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.

نکته: حرف «لا» منفی‌کننده فعل مضارع است. مثال: «لا يُكَلِّفُ» تکلیف نمی‌کند.

۱۰۸۷ | برای خودم مالک سود و زبانی نیستم، جز آنچه خدا بخواهد.
۱۰۸۸ | پس خداوند، آرامشش را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان نازل کرد (فرو فرستاد).
نکته: «أنزل» فعل ماضی به معنای «نازل کرد» است و نباید به صورت مضارع «نازل می‌کند» ترجمه شود.

۱۰۸۹ | سینه خردمند، صندوق (جعبه) رازش است.
۱۰۹۰ | میوه دانش، اخلاص (خالص شدن) عمل است.
۱۰۹۱ | نیکی ادب، زشتی نسب را می‌پوشاند.

۱۰۹۲ | دشمنی کردن خردمند، بهتر از دوستی کردن نادان است.
۱۰۹۳ | بزرگ‌ترین نادانی، زیاده‌روی در ستایش و نکوهش است.
۱۰۹۴ | حسد، نیکی‌ها را می‌خورد، همانگونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

۱۰۹۵ | خداوند برای بندگان، چیزی را برتر از خرد، تقسیم نکرد.
نکته: حرف «ما» منفی‌کننده فعل ماضی است. مثال: «ما قَسَمَ» تقسیم نکرد.
۱۰۹۶ | حیوانات جنگل، برای دور شدن از منطقه خطر از کلاغ یاری می‌جویند.
۱۰۹۷ | همانا بیشتر حیوانات، علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود، زبانی عمومی (همگانی) دارند.

۱۰۹۸ | آیا امکان دارد که بشر روزی از آن معجزه دریایی برای نورانی کردن شهرهای مختلف بهره ببرد؟

نکته: چنانچه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «أَنْ يَسْتَفِيدَ» که بهره ببرد.
۱۰۹۹ | غواصانی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگی را دیدند.
۱۱۰۰ | بداند که زبان گربه، سلاح پزشکی همیشگی است، زیرا آن پُر است از غده‌هایی که مایعی پاک‌کننده را ترشح می‌کنند.

۱۱۰۱ | بعضی از پرندگان و حیوانات، با غریزه (طبیعت) خود، گیاهان دارویی را می‌شناسند و کیفیت (چگونگی) به کار بستن آن را می‌دانند.

۱۱۰۲ | اردک، غده‌ای طبیعی در نزدیکی دمش دارد که روغن خاصی را در بر دارد که آن را بر بدنش پخش می‌کند.

نکته: اگر «لِ» در ابتدای جمله، بر سر اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «داشتن» است. مثال: «لِلبَهَائَةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ» اردک غده‌ای طبیعی دارد.
۱۱۰۳ | چشم جغد، حرکت نمی‌کند، پس آن ثابت است، ولی سرش در هر جهتی حرکت می‌کند.

۱۱۰۴ | از غواصی که به اعماق اقیانوس رفت (رفته بود)، پرسیدم: چه چیزی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند؟

۱۱۰۵ | غواصان کشور می‌توانند که در نورهای ماهی‌های نورانی، عکس (عکس‌هایی) بگیرند.

نکته: هرگاه اسم جمع مذكر سالم، مضاف واقع شود، «ن» آخر آن حذف می‌شود. مثال: «غَوَاصُونَ + الْبِلَادُ = غَوَاصُو الْبِلَادِ: غواصان کشور»

۱۱۰۶ | دانشمندان کشف کردند که در زبان گربه، غده‌ای هست که مایعی پاک‌کننده از آن خارج می‌شود.

۱۱۰۷ | نورهایی که به ما در عکس گرفتن کمک می‌کند، از نوعی از باکتری نورانی فرستاده می‌شود.

۱۱۰۸ | آن غواص‌ها برای عکس گرفتن به اعماق اقیانوس می‌رفتند.

نکته: چنانچه پس از اسم اشاره، اسم «ال» دار بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود. هرچند اسم «ال» دار، اسمی مثنی یا جمع باشد. مثال: «أُولَئِكَ الْغَوَاصُونَ: آن غواصان»

۱۱۰۹ | ما پزشکانی جوان هستیم. پس گیاهانی دارویی داریم که آن را گاهی در درمان کردن بیماری‌ها به کار می‌گیریم.

۱۱۱۰ | در آغاز (شروع)، اعضای خانواده‌ام به زیارت عتبات (آستانه‌های) مقدس در شهرهای چهارگانه مشرف شدند.

۱۱۱۱ | پشیمانی بر سکوت، بر پشیمانی بر سخن برتری دارد. پس شما باید ساکت باشید.

۱۱۱۲ | پزشک می‌توانند، گیاه دارویی را آورد و آن را برای درمان کردن بیماری‌ام به کار بست.
نکته: «جاءَ + بِ»: آورد

۱۱۱۳ | باکتری نورانی که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند، تعجب‌برانگیز است.
۱۱۱۴ | گربه، زخمش را چند مرتبه می‌لیسَد تا بهبود بیابد؛ زیرا زبانش، سلاح پزشکی همیشگی است.

نکته: چنانچه پس از حرف «حَتَّى» فعل مضارع بیاید، این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «حَتَّى يَلْتَمِمْ» تا بهبود یابد.

۱۱۱۵ | چه بسا برادر غواصم بتواند که در نورهای این ماهی‌ها، عکس (عکس‌هایی) بگیرد.

نکته: چنانچه پس از «رُبَّمَا» فعل مضارع بیاید؛ این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. مثال: «رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ» چه بسا بتواند.

۱۱۱۶ | هرکس چیزی را خواست و کوشید، «آن را» یافت. پس تلاش‌هایت را برای رسیدن به اهداف والایت ادامه بده.

۱۱۱۷ | باکتری نورانی زیر چشمان ماهی‌ها زندگی می‌کند. پس دانشمندان برای شناختن آن تلاش می‌کنند.

۱۱۱۸ | دوست گرم و صمیمی‌ام، هفت روز در خانه‌اش ماند تا زخم عمیقش بهبود یابد.

۱۱۱۹ | حیوانات جنگل، هنگام شنیدن صدای کلاغ، از منطقه خطر سریع دور می‌شوند.
۱۱۲۰ | این حیوانات، انسان را به خواص دارویی (پزشکی) بسیاری از گیاهان صحرایی راهنمایی می‌کنند.

۱۱۲۱ | دو شاعر بزرگ، قصیده‌هایی (دو قصیده) را هنگام دیدارشان از ایوان کسری سروده‌اند.

نکته: چنانچه پس از حرف «قَدْ» فعل ماضی بیاید؛ این فعل ماضی، معادل ماضی نقلی در فارسی است. مثال: «قَدْ أَشَدَّ شَاعِرَانِ ...: دو شاعر ... سروده‌اند».

۱۱۲۲ | حیوانات از طریق زبان همگانی خود، می‌توانند که با هم به تفاهم برسند.
نکته: «لَعَنَهَا الْعَامَّةُ» ترکیب مخلوط وصفی اضافی به معنای «زبان همگانی خود» است.

۱۱۲۳ | پرنده‌ای که رنگش سیاه (مشکی) است، صدایی دارد که به وسیله آن به حیوانات هشدار می‌دهد تا از منطقه خطر سریع دور شوند.

۱۱۲۴ | ای پزشکان، گیاهان مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار بگیرید.

پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی

ردیف	راهنمای تصحیح	بارم
۱	الف) گربه / مایعی (مایع) / پاک کننده (ص ۶۴) ب) بهبود یافت / زخم (ص ۶۴)	۱/۲۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۲	الف) إِسْتَطَاعَ = قَدَّرَ (ص ۷۳) ب) قَرَّبَ ≠ يَعُدُّ (ص ۷۳)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۳	ب (ص ۷۱) (۰/۲۵)	۰/۲۵
۴	الف) أَذْنَاب (ص ۶۸) ب) الْمَرَض (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۵	الف) بشر باید از آن معجزه دریایی بهره ببرد. (ص ۶۴) (۰/۵) ب) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ (ص ۷۶) (۰/۷۵) ج) چه بسا پزشکِ توانمند، گیاهی دارویی را برای درمان کردنِ پدرت به کار گیرد. (ص ۶۵) (۰/۷۵) د) گردشگران برای دیدن یکی از کاخ‌های پادشاهان ساسانی به مدائن می‌رفتند. (ص ۷۱) (۰/۷۵) هـ) کشاورزِ کوشا از همسرش در کاشتنِ درختانِ سیب یاری می‌جوید. (ص ۷۰) (۰/۷۵) و) هنگامی که حیوانات، صدای کلاغ را می‌شنوند، از منطقه خطر دور می‌شوند. (ص ۶۶) (۰/۷۵) ز) برادرِم، پژوهشگری را نزد من آورد که مقالاتی را درباره جاسوس‌های جنگل نوشت (نوشته بود). (ص ۶۶) (۰/۷۵)	۵
۶	الف) ۱ (ص ۶۴) ب) ۱ (ص ۶۵)	۰/۵ (هر مورد ۰/۲۵)
۷	الف) مردم / به تفاهم برسید (تفاهم کنید) (ص ۶۶) ب) بیشتر / همگانی (ص ۶۶)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۸	الف) دیدند ج) بین هـ) خواهیم دید ز) نمی‌بینی ب) خواهد دید د) می‌دیدند و) ندیدم ح) می‌بینند	۲ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۹	الف) اِكْتَشَفَ (ص ۶۴) ب) تَعَوَّضَ (ص ۶۲) ج) اِذْهَبَا (ص ۶۴) د) لَا تَسْتَفِيدِي (ص ۶۴)	۱ (هر مورد ۰/۲۵)
۱۰	الف) جمله اسمیه ب) جمله فعلیه د) جمله اسمیه هـ) جمله اسمیه	۱/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۱	الف) الفاعل: زَمِيل / المفعول: ذَكَرِيَاتِ ب) الفاعل: ظَاهِرَةُ / المفعول: النَّاسِ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۲	الف) الْمُبْتَدَأُ: طَلَبُ / الْخَبَرُ: قَرِيضَةٌ ب) الْمُبْتَدَأُ: آفَةُ / الْخَبَرُ: التَّسْيَانُ	۱ (ص ۷۵) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۳	الف) النَّاسُ: فاعل ب) تَمَرُّ: مبتدأ / الْكَبِيرَةُ: صفت / لَذِيذٌ: خبر	۱ (ص ۷۶) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۴	الف) فعل مضارع ب) فعل ماضی	۰/۵ (ص ۷۰) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۵	الف) الذَّنْبُ ب) إِخْلَاصُ ج) الإِنَارَةُ د) الظَّلَامُ	۱ (ص ۷۰ و ۷۲) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۶	الف) الْعَوَاصِفُ ج) شاهدوا مِثَالِ الْمَصَابِيحِ الْمَلُونَةِ. ب) لَيْلًا د) مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيِّتِ	۱ (ص ۶۴) (هر مورد ۰/۲۵)
۱۷	۲	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۱۸	نَعَمْ: إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ.	۰/۵ (ص ۷۱) (۰/۵)
۲۰	پایان	